

نویسنده : میجر دینی سجرسین (Maj.Danny Sjrursen).
منبع و تاریخ نشر: انفارمیشن کلیرنگ هوز «01-10-2019».
برگردان : پوهندوی دوکتور سید حسام «مل» .

ما امریکایی ها هر روز قساوت های غیر قابل توصیف را فعال میکنیم

We Americans enable unspeakable Atrocities every day



چندی پیش ؛ نه چندان دور یعنی در ماه نومبر سال «2010» من طی مراسم واقع در فورت ریلی کانزاس (Fort Riley , Kansas) فرماندهی سربازان قطعه (B) جزوتام سواره نظام چهارم ایالات متحده رابعهده گرفتم ؛ که برای من یک روز پرافتخار بود. چونکه به افسران آموزش داده میشود که به تاریخ و سوابق جزوتام واحد عملیاتی خود سرگرم شوند از اینکه این جزوتام سواره نظام درگذشته ها چه داستان طولانی داشته است. در آن روز سرد آواخر فصل خزان اسکانداران « واحد های عملیاتی نیروهای هوایی» با پرچم های رنگارنگ در حال اهتزاز جلوه نمایی میکردند که در روی یکی از این پرچم ها چنین خوانده میشد : **بودوداجو** = Bud- Dajo = اولین نبرد بودوداجو که بنا م «قتل عام مورو» نیز یاد میشود ؛ یک اقدام ضد شورش بود که توسط ارتش ایالات متحده علیه موروسش در مارچ سال (1906) در جنوب غرب فلپین صورت گرفت و یا که بوقوع پیوست.....**تفصیل توسط این قلم** جنگی که در جزایر فلپین توسط همین جزوتام صورت گرفت . سمبول ویا تاج واحدی از این جزوتام که در روی پرچم ها قرار دارد - آن سمبول در لباس های منسوبین این جزوتام نیز بخاطر شناسایی آن جزوتام اویخته ویا منقوش شده است - سمبولی که در آن اشفشان وخنجر ؛ شمشیر موجدار ، موجی که نمایندگی از مخالفان گروه مورو (Moro Opponents) در فلپین

میکند دیده میشود ؛ اما به سختی یک سواره نظام عضو از این جزو تام چیزی در مورد آن جنگ یا در مورد سوابق این جزو تام سواره نظام احماقا نه واقع در آن جزایر چیزی میدانند.



سمبول قطعه سواره نظام



قطعه سواره نظام (B)

بودو داجو اصلاً نبرد نبود ؛ این یک قتل عام بود که در حدود «1000» جدای طلب **مورو (Moro)** از جمله خانواده های آنها که با اشغال نظامی جزیره **جولو (Jolo)** توسط ایالات متحده مخالف بودند ؛ واز بدام نه افتیدن در دست مهاجمین امریکا به قله یک آتشفشان گریختند ویا که به آنجا پناه بردند - بعداً یعنی از تاریخ «5» تا «8» ماه مارچ سال (1906) جزو تام سواره نظام چهارم ایالات متحده یکجا با سایر تشکیلات نظامی بشمول نیروی هوایی امریکا «**مورو**» را بیش از حد بمباران کردند . اکثریت فراری ها اسلحه گرم نداشتند تا از خود دفاع کنند ؛ سپس قله تحت تهاجم امریکایی ها قرار گرفت و مردان فراری **مورو** ناامیدانه بخاطر دفاع از خود جنگیدند و توانستند که در حدود (20) نفر از سربازان مربوط قطعه (B) سوار نظام امریکایی را بقتل رسانند . با آنهم امریکایی ها چانس ویا فرصت آن را نیافتند که بر بالای آتشفشان مسلط شوند- بنأ سربازان امریکایی به داخل دهانه آن آتشفشان که مردم **مورو** پناه برده و پنهان شده بودند شلیک کردند ؛ تا اینکه شش نفر از مدافعین **مورو** کشته شدند . که این میزان تلفات (99) در صد بود سربازان پیروز امریکایی بعد از آن با افتخار در نزدیک مردگان که شامل صدها زن و کودک **مورو** بود عکس های یا دگاری گرفتند و آن عکس ها را به نمایش گذاشتند ؛ طوریکه که گویی آنها به شکار سفاری (شکار حیوانات افریقایی) به بازی بزرگ پرداخته اند



Greater Kudu



Leopard



Gemsbok/Oryx



Cape Eland

شکار سفاری یا حیوانات در افریقا

عده معدودی از آمریکایی ها ؛ حمله ؛ اشغال و عمل سرکوبگرانه ایالات متحده آمریکا راکه یک عمل شنیع و ناخوشایند که در جزایر فلپین بوقوع پیوسته بود به یاد می آورند. ولی مردم فلپین آن مصیبت المناک راهرگز فراموش نخواهند کرد از اینکه شاید نیمی از میلیون ها نفر از مردم محلی (یک ششم از کل جمعیت) توسط نظامی های آمریکای مجهز به تکنالوژی برتر سربه نیست شدند و عده هم به نسبت گرسنگی و شیوع بیماری زندگی خود را از دست دادند. این جنگ همچنان فرهنگ ویا کلچر روز آمریکا را منعکس و تحت تاثیر قرارداد- چونکه اکثر جنرال ها جانبازان جنگ های فاسد و شرور هندی در دهه های گذشته بودند و به شکل از اشکال اصطلاحات ناموزون را در داخل اردو بومی مروج ساختند مانند برای فلپینی ها بکار می بردند و این اصطلاحات ناموزون را در داخل اردو بومی مروج ساختند مانند اصطلاح سیاه پوست «نیگرو = Nigro» یا اصطلاح گوک (gook) کلیمه ای که تحت تاثیر گو گو (gu gu) قرار گرفته است (لغت گو گو از پوست درختی گرفته شده است که توسط زنان فلپین برای شستن موها استفاده میشود - سربازان آمریکایی بخاطر تحقیر فلپینی با تقلید از زبان آنها که آمریکایی زبان فلپین ها را زبان سگ توصیف میکنند وقتاً فوقتاً می گفتند گو گو تفصیل توسط این قلم) و اما به ارتباط واژه گو گو چنین تصور وجود دارد که جذر ویا ریشه شناسی گو گو به دوره اوضاع ویتنام باز تجدید شده است و از سوی هم این جنگ خود برای مدت چند ویا چند سال به رهبری ارتش اطلاع رسانی کرده است ، دوازدهمین رئیس ارکان ارتش آمریکا از جمله **جنرال جان پرسینگ** (John Pershing) که از جنرالهای مشهور جنگ جهانی اول است نیز در فلپین برای اردو آمریکا خدمت کرده است و از سوی دیگر میراث دیگر آمریکا **جنرال جورج مارشال** (George Marshall) معمار پیروزی در جنگ دوم جهانی و وزیر امور خارجه آینده آمریکا نیز مدت چندی بعنوان نایب وکیل در این جزایر خدمت کرده است.

این جنگ ارتش آمریکا را نیز خونین و نا امید کرد ؛ در حدود «4000» سرباز جان باختند و بسیاری دیگر زخمی شدند؛ درگیری متعارف (یا قابل پیش بینی) و ضد شورش از سال «1898» تا «1913» تشدید و ادامه یافت. جنگ فلپین را در تاریخ جنگ های طولانی ایالات متحده آمریکا بعد از جنگ در افغانستان دومین جنگ طولانی آمریکا میتوان یاد کرد تا جاییکه جنگ افغانستان در دوره مبارزات انتخاباتی ریاست جمهور ایالات متحده آمریکا بگونه عجیب و غریب سروصداهای **دونالد ترامپ** را باعث شد که اوبمنظور تقویه و به کرسی نشاندن خواسته های خود برای جنایات جنگی علیه تروریست ها و خانواده های آنها به داستان اخیرالزمان و توهین آمیز **جنرال پرسینگ** اشاره و آن داستان را بازگو میکند - داستان از اینقرار که **جنرال پرسینگ** به منسوبین و افسران تحت فرمان خود دستور میداد که گلوله ها را در خون خوک (حیوان نجس در مذهب مسلمانان) رها و غرق کنید که توام با آن (49) زندانی اعدام شوند و تنها کسی را زنده بمانید و او را از بند رها کنید تا رفقايش را از آنچه در انتظار آنها است در صورت مقاومت در برابر ارتش مطلع سازد که نابود می شوند این داستان را **دونالد ترامپ** حکا یه کرد و افزود که بعد از آن اجرات ویا هدایت **جنرال پرسینگ**، ارتش آمریکا برای (25) سال بعد به هیچ مشکلی مواجه نشد.



سربازان با فلیپین مورویس از نخستین نبرد بودوداجو «7» مارس «1906» ، در ژولو ، فیلیپین ، کشته شد

گرچه این خود برای لفاظی بزرگ اما تاریخ وحشتناک ساخته شده است، که نه تنها این حادثه رخ نداد بلکه جنگ حتی با بدترین جنایات ارتش از جمله قتل عام در بودوداجو در سال (1906) بود که سال ها ادامه یافت - یعنی در حقیقت هفت سال دیگر این جنگ دوام نمود که جنرال پرسنگ خود نقص وعیبه داشت از اینکه بعداً در این جنگ معمار قتل عام آتشفشان مورو شد، تا جایکه او زندگی از (200) تا (300) نفر را در سال (1913) گرفت ویاکه آنها را کشت؛ گرچه که او تا حد زیادی با مردم محلی دلسوز بود؛ اوزبان آنها را آموخت؛ غذای آنها را خورد؛ برای ملاقات با رهبران آنها غیر مسلحانه مسافرت کرد و پدر افتخاری یک همسر سلطان محلی شد. اما هنگامیکه جنرال ارشد ویا بالادست او جنرال لیونید اودد (Leonard Wood) که امروز بنا م او یک قلعه بزرگ و برجسته در میسوری است؛ دستور حمله را به بودوداجو صادر کرد؛ جنرال پرسنگ نتایج ناشی از آن حمله را بررسی کرده اعلام نمود: من نمیخواهم این امر را بخاطر شهرت نا پیلونی خود که وجدان ام خدشه دار شود ببذیرم.

اینجا درخانه یعنی در میهن و در بسیاری از ولایات کشور وجدان های بیدار مردم نسبت این قتل عام مردم فیلیپین تکان خورد و بویژه نمایش آن فوتو های غنیمت گرفته شده در کنار مردها و قتل عام شده ها که توسط نیروهای فاتح جنگ اخذ شده بود؛ تا جایکه نسخه های این تصاویر بگونه ای برق آسا در سال (1913) در مقالات و در مطبوعات پخش و منتشر شد؛ در آن زمان برخلاف امروز جنبش ضد امپریالیستی قابل توجهی (نه به حد اکثر) وجود داشت بویژه که این اندیشه ضد امپریالیستی توسط برجسته ترین سخنگوی ادبی و پیشرو آقای مارک توین (Mark Twain) چنین تفسیر میشد چنانچه او در مورد جنگ بودوداجو گفت: « ما آنها را کاملاً نابود کردیم؛ حتی تا جایکه یک نوزاد را زنده نماندیم تا

برنعش مادر خود گریه کند. امپریالست ها موفق شدند؛ مخالفت خود را با امپراتوری واشغال فلیپین به سکوی حتی نژاد پرستانه دوره **جیم کرو** (Jim Crow) حزب دموکراتیک تبدیل کنند. «. آن عکس دهنه آتشفشان همچنین فعالان حقوق مدنی افریقایی، امریکایی را برانگیخت تا جایکه ویلیام ادوارد دوبوس (W.E.D) به ارتباط آن گفت: من تا حال همچو روشنای ترین عکس را ندیده ام عنوان قرارداد و آنرا بخاطر تاثیر گذاری بالای دانش آموزان اش در روی تخته صنف اویخت، یعنی همچو جنگ بخصوص جنگ های فاتح تاثیر گذار.



ویلیام ادوارد دوبویس

اکنون هیچ چیز حتی به آن سطح از ظلم فکری نزدیک نمی شود، زیرا امپراتوری آمریکا شاخه های خود را در سراسر جهان گسترش می دهد. تعداد کمی از روشنفکران عمومی - به حدی که گونه های در معرض خطر حتی این روزها وجود داشته باشد - حتی متوجه میزان وقوع جنایات جنگی ملتشان در خاورمیانه بزرگ هستند. به عنوان مثال، افغانستان را در نظر بگیرید، تنها جنگ طولانی تر از فاجعه آمریکا در فیلیپین. پس از «18» سال جنگ نامشخص و خونین، ارتش آمریکا و متحدان آن در حال حاضر سالانه تعداد بیشتری از غیرنظامیان و طالبان شریک را می کشند. این باید علت مکث، تأمل، نگرانی باشد. فقط در واشنگتن، حتی در بیشتر دانشگاه ها، چنین نیست. ما فاصله زیادی از **دوبویس** داریم که عکس Bud Dajo را در دیوار کلاس مانند او منتشر کنیم یا ببینیم.



مردان پس از حمله هواپیماهای بدون سرنشین که منجر به کشته شدن 30 کشاورز گردو کاج در استان ننگرهار، افغانستان، تابوت یکی از قربانیان را حمل کردند.

نه اینکه عکس های تکان دهنده ای از قربانیان افراد غیرملکی در اثر بمباران نیروهای نظامی

ایالات متحده در افغانستان در این هفته های گذشته وجود نداشته باشد؛ بلکه طی چند روز در اواخر ماه سپتمبر؛ ارتش (که آنرا بطور اتفاقی ادعا میکند) در دو عروسی و نیز گروهی از (30 نفری از کشاورزان بی گناه را هنگام جمع آوری حاصلات اجیل کاج در ولایت ننگرهار شلیک و نابود کردند که اکثریت این کشته شدگان که تعداد شان به (100) نفر میرسید و همه افغانان بودند؛ گناه و جرم آنها این بود که در عروسی ها حضور با هم رسانده بودند و یا اینکه مصروف جمع آوری حاصلات اجیل کاج بودند - این درست است که در افغانستان نظامی باید تجمعات را تحت نظارت قرار داد؛ ولی اپراتورها و یا متصدیان هواپیما های بدون سرنشین و پیلوتان بمب گذار؛ تجمعات و گردهمایی ها را که در عروسی ها و یا در مراسم تدفین و یا در حشر و کارهای دستجمعی کشا و رزان و وقتاً فوقتاً صورت میگرد؛ دقیقاً تحت نظر خویش داشته و نباید که مرتکب جنایات و تهدید در همچو حالات شوند.

اکثر اوقات؛ امریکایی ها بمراتب معمولتر به یاد می آورند که هواپیماهای بمب افکن ایالات متحده غیر نظامیان را قتل عام کرده و از این طریق با در نظر داشت روایات بدست آمده موجب تقویت صفوف طالبان ناشی از استخدام افغان ها توسط طالبان شده و نیز از اعتماد مردم به رژیم کابل تحت حمایت امریکا کاسته است چونکه با در نظر داشت همچو وضع هرگز در کشور امنیت برقرار نخواهد شد که این جنایات جنگی شدیدا در رسانه های اصلی رخنه کرده و شواهد ترسناک از همچو عکس ها بگونه عریان ابروی امریکایی ها را به شدت بالا می برد که این بی تفاوتی خود بعنوان یک تراژیدی کاملاً آشکار میتواند باشد.

بنا بر آن این قطعه ای متوسط (یا این توصیه ای متواضع) من را در نظر بگیرید؛ این درس فشرده ای تاریخی و ارتباط آن را با امپراتوری ایالات متحده و یک ادعای مختلف برای معلمان امریکا؛ آیا میخواهید که یک وطن پرست واقعی و یا یک مربی نیرومند و انسان شایسته ای باشید؟ خوب؛ دانش آموزان خود را با خود داشته باشید و یا آنها را با منافع خود ذینفع دانید پس عکس حملات هوایی اخیر نیروهای هوایی ارتش امریکا را علیه غیرنظامیان افغان؛ جنایات جنگی قرن بیست و یکم را بروی دیوارهای صنف بیا ویزید تا با این عمل خود افتخار کردهای **دوبویس (Du Bois)** و **توین (Twin)** را از آن خود کنید و در غیر آن فکر خوبی نخواهد بود که این شراکت فکری را از نظرها مخفی نگه داشته باشید.

چند سطری در مورد نویسنده این مقاله :

سرگرد یا میجر «**دنی سوجورسن**» یک افسر بازنشسته ارتش امریکا و مربی سابق تاریخ در **وست پوینت** است. وی با واحدهای شناسایی در عراق و افغانستان تورهای مختلفی را انجام داد.

----- **با تقدیم سلام ها (2019-10-03)**